

دو بازی شاد با بازی



تجرباتی که کودکان در مکالمات، بازی، قصه‌گویی و هر نوع عکس یا تصویری کسب می‌کنند و همچنین آموزش موارد زیر، کودکان را برای مدرسه رفتن آماده می‌سازد:

- جلب توجه برای مدت طولانی
- گوش دادن به تعالیم و پیروی از آنها
- گوش دادن به توضیحات و مقایسه‌ی آنها
- درک واژگان جدید با یادآوری سوابق اطلاعات مرتبط با معانی و مفاهیم جدید
- مربیان به این مهارت‌ها اهمیت می‌دهند تا کودکان را با قرائت، ریاضیات، علوم و مفاهیم آنها و با پردازش اطلاعات موجود در کلاس آشنا سازند.

نقش‌های والدین و مربیان

- تجربه‌های کودکان با کتاب‌ها، فرصت‌هایی عالی برای گوش دادن آنها فراهم می‌آورد. تجربه‌ی حسی تقویت شده‌ی نشستن نزدیک والدین، بررسی دقیق هر تصویر، و شنیدن کلمات چاپی (کتاب) یا توصیفات، امکان گوش دادن متمرکز و متعدد بعدی را در اختیار کودکان قرار می‌دهد.
- پرسش و پاسخ‌گویی، فرصت‌هایی عالی برای توسعه‌ی مهارت‌های گوش دادن را فراهم می‌آورند. پاسخ کودکان به پرسش خواننده بستگی دارد. کودکان با تکرار ترانه‌های آشنا، به قصه‌ها، کتاب‌ها، لایه‌ها، و اشعار کودکانه با اشتیاق هر چه تمام‌تر گوش می‌دهند. در حالی که تجربه‌ی شنیداری رشد می‌کند، کودکان سخنان بعدی سخنگو را پیش‌بینی می‌کنند.
- کودکان به معماهای ساده‌ای که به منزله‌ی فراخواندنشان به حل مسئله در رابطه با مفاهیم زبانی است، به خوبی پاسخ می‌گویند. برخی مثال‌ها از معماهای رو به دشوار برای کودکان شامل موارد زیر است:

- «من یک چیز سبز را می‌بینم.
- می‌توانی کوچک‌ترین چیز را پیدا کنی؟
- آن چیز کجا قایم شده؟
- چه‌طور می‌تواند از روی خانه بپرد؟

از عبارتهای «همراهش حرف بزن» و «با صدای بلند فکر کن» استفاده کنید.
 ○ هنگامی که مربیان به موازات فعالیت‌های کودکان، پایه‌پای آنها حرف بزنند، در آن حال، واژگان و ساختار زبانی را فراهم می‌آورند که مستقیماً با تجربه‌ی حسی کودک مرتبط است. برای مثال «ما داریم از تپه‌ای بالا می‌رویم. مواظب باشید به جاده‌ای که از مسیر درست جدا افتاده، قدم نگذارید». یا «ما داریم چاله‌های آب گرفته توی جاده را خشک می‌کنیم، بجنبید، آب دارد همه جا را می‌گیرد.»

مربیان که تجربه‌های حسی کودکان را توصیف می‌کنند و این عمل را همان زمانی که برای کودک اتفاق می‌افتد، انجام می‌دهند، در واقع مشغول «بازخورد» دادن به کودک درباره‌ی کلمات و ساختارهای زبانی در خور آن وضعیت هستند.

○ «پایه‌پای اندیشیدن‌ها» عبارت‌اند از فرصت‌هایی برای والدین و مربیان تا درباره‌ی گام‌هایی که باید در برنامه‌ریزی یک فعالیت (یا عمل) انجام بگیرد، صحبت کنند. برای مثال یکی از والدین ممکن است بگوید: «اجازه بدهید ببینیم، برای شروع شام باید قابلمه را برداریم، در آن آب بریزیم، شروع کنیم به گرم کردن آن روی اجاق، و برنج را اندازه کنیم، ولی نباید پیش از آمدن برادرت این کارها را انجام بدهیم.»

○ هنگامی که مربیان مراحل گوناگون فعالیت را شرح می‌دهند، کودکان فرصت شنیدن، درک مراتب، برنامه‌ریزی و منتظر نتایج بعدی بودن را به دست می‌آورند.

زیرنویس

1. Open - ended

مامان باد و نقاشی بچه‌ها

روش اجرا

مربی با طرح داستان کوتاهی، توجه کودکان را به آنچه که در انجام فعالیت از آنان می‌خواهد، جلب می‌کند.

روزی از روزها، باد بازیگوش رفت سراغ بچه‌های مهدکودک و دید آن‌ها مشغول نقاشی هستند. باد بازیگوش نقاشی بچه‌ها را خیلی دوست داشت و دلش می‌خواست ساعت‌ها به نقاشی آن‌ها نگاه کند.

بچه‌ها نقاشی‌هایشان تمام شد و رفتند که بخوابند. (مربی با پارچه‌ای که به دوش می‌اندازد، مثلاً نقش باد بازیگوش را ایفا می‌کند و از کودکان نیز می‌خواهد روی زیرانداز بخوابند.)

باد بازیگوش رفت توی اتاق کار بچه‌ها و به نقاشی‌ها نگاه کرد. اما همین‌طور که به نقاشی‌ها نگاه کرد، با خود گفت: «وای خدای من! بچه‌ها چه نقاشی‌های قشنگی کشیده‌اند! کاش من هم می‌توانستم مثل آن‌ها نقاشی کنم! تمام نقاشی بچه‌ها دور و بر باد جمع شدند و هر جا باد رفت، آن‌ها هم با او رفتند [بعد، مربی، ها و هوکشان از لابه‌لای بچه‌های خوابیده رد می‌شود و نقاشی‌ها را جمع می‌کند].

باد از کودکان خارج شد و رفت و رفت تا به خانه‌اش رسید. بعد نشست و به نقاشی‌ها حسابی نگاه کرد و لذت برد. با خودش گفت: وقتی

رای کودکان پیش دبستانی

تلفیقی از قصه، بازی، نمایش و نقاشی در کودکان

آذر کتابی

کارشناس پیش دبستانی

سفر با قالیچه‌ی پرنده و دیدار از جاهای عجیب و غریب روش اجرا

مربی قبل از انجام فعالیت، گلیم یا هر پارچه‌ی محکمی را به جای قالیچه‌ی پرنده تهیه می‌کند، روی آن می‌نشیند و شروع به کار می‌کند. مرحله‌ی اول: مربی با طرح داستانی از قالیچه‌ی پرنده که در زمان‌های قدیم در قصه‌ها بوده است و هر کس سوار آن می‌شده، می‌توانسته است همه جا برود و همه چیز را از بالا تماشا کند، به بچه‌ها می‌گوید که با این قالیچه‌های پرنده، از سرزمین‌های جالبی دیدن کنند. بعضی‌ها از کوه‌های آتش‌فشان و دریاچه‌های پر از تمساح دیدن می‌کنند و بعضی هم از جنگل‌های پر از شیر و ببرهای گرسنه، یا از دره‌های وروجک‌هایی که هر چه را توی آسمان حرکت می‌کند، قاپ می‌زدند و پایین می‌کشیدند (مربی از بچه‌ها سؤال می‌کند، چه سرزمین دیگری را می‌شناسید که عجیب و غریب باشد؟)

مرحله‌ی دوم: مربی بچه‌ها را چهار تا چهار تا صدا می‌کند و می‌خواهد سوار قالیچه‌ی پرنده شوند، به اتفاق هم پرواز کنند و از سرزمین‌های پر هیجان بگذرند (کودکان روی قالیچه‌ی پرنده می‌نشینند و با فرمان حرکت مربی، روی قالیچه شروع به پرواز می‌کنند).

توجه: حرکات نمایشی مربی در این مرحله بسیار مهم است؛ مثل تکان تکان‌هایی که به پارچه می‌دهد و به موقع از دست وروجک‌ها در می‌رود و به بچه‌ها می‌گوید همدیگر را محکم نگه دارید تا برای کسی اتفاقی نیفتد یا این که می‌گوید: وای مراقب آن آتش‌فشان باشید، سرهایتان را پایین بیاورید تا به صخره‌ها نخورید، مواظب آتش دهان اژدها باشید و...

مرحله‌ی سوم: مربی پارچه‌ی محکم مثل متقال یا چلووار را انتخاب می‌کند (یک در یک یا در صورت امکان بزرگ‌تر). سپس پارچه را به چهار قسمت مساوی تقسیم می‌کند. کودکان را نیز براساس سفری که به هر سرزمینی داشته‌اند، به چهار گروه تقسیم می‌کند. از هر گروه می‌خواهد، نقاشی مسافرتشان روی قالیچه‌ی پرنده را بکشند.

بعد از این که هر گروه قالیچه‌ی پرنده‌اش را نقاشی کرد، می‌تواند با استفاده از قیچی، دو طرف فرشش را ریشه هم بگذارند.

بچه‌ها از خواب بیدار شوند و ببینند نقاشی‌هایشان نیست، خیلی ناراحت می‌شوند.

پس به طرف کودکان راه افتاد و نقاشی‌ها هم به دنبالش. پشت در حیات کودکان که رسید، همه‌ی نقاشی‌ها را از تنش تکاند و یک سنگ هم روی آن‌ها گذاشت تا نتوانند به او بچسبند و با او بیایند.

آقای جمع‌آوری، نقاشی‌ها را دید، همه را جمع کرد و برد و گذاشت توی انبارش. فردا که بچه‌ها به کودکان برگشتند، نقاشی‌شان را روی دیوارها پیدا نکردند. پس به اتفاق خانم مربی تصمیم گرفتند پیش آقای جمع‌آوری بروند، شاید او نقاشی‌ها را دیده باشد.

بله! حدس بچه‌ها درست بود. آقای جمع‌آوری نقاشی‌ها را پیدا کرده و در انبار گذاشته بود. (مربی در نقش آقای جمع‌آوری، نقاشی بچه‌ها را زیر یک پارچه پنهان می‌کند از بچه‌ها می‌خواهد یکی یکی با دادن مشخصات نقاشی‌شان، نقاشی آن‌ها را پیدا کند و به آن‌ها برگرداند).

نکته‌ی ۱: مربی قبل از شروع کار، از بچه‌ها می‌خواهد نقاشی بکشند؛ آن هم طوری که نقاشی هر کس با دیگری فرق داشته باشد.

نکته‌ی ۲: مربی می‌تواند این بازی را با کاپشن، کیف، مقنعه و هر پوشش دیگر متعلق به کودکان نیز انجام دهد.